

طلاق به درخواست زوجه در حقوق مدنی ایران و فرانسه

صمد شورچه^۱، نجادعلی الماسی^۲

^۱ دانشجوی دوره دکترای حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

در نظام های حقوقی، موضوع ازدواج با اراده دو زن و مرد، به عنوان معماران نفیس اجتماع بشری، طراحی و ساخته می شود. دوام و بقاء این ساخته، مستلزم رعایت تکالیفی از سوی طرفین و یا پایدار بودن شرایط خاصی است که عدم پایبندی به این تکالیف و یا ناپایداری این شرایط سببی برای انحلال یا از بین بردن این نهاد حقوقی ایجاد می کند که بعضاً به اراده مرد یا زن و یا با تراضی طرفین اعمال می گردد. در نظام حقوقی ایران، مرد می تواند با رعایت شرایط مقرر در قانون با مراجعه به دادگاه، تقاضای طلاق همسرش را بنماید؛ اما این حق به صورت مطلق برای زن در نظر گرفته نشده و شرایط خاصی برای او در نظر گرفته شده است که از آن جمله می توان به غیبت زوج، ترک انفاق، عسر و حرج و غیره، اشاره نمود اما در قانون فرانسه، حق طلاق برای زوجین در نظر گرفته شده و هر یک از زوجین به طور مساوی از حق طلاق برخوردار می باشند. البته برای استفاده از این حق، شروطی در نظر گرفته شده که رضایت مقابل، پذیرش اصل شکست ازدواج (پیشنهاد طلاق)، لطمه ی غیر قابل جبرانی که در پیوند ازدواج به وجود می آید (تخریب قطعی رابطه ی زناشویی) و تقصیر از جمله این شروط است. در این پایان نامه، شباهت ها و تفاوتها در اسباب و موجبات، تشریفات و آثار طلاق در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، بررسی شده است تا شاید بتوان با بررسی تطبیقی قوانین این دو کشور به راه های مناسب تری برای اعمال حق طلاق زن در جامعه ایران، رسید.

واژه های کلیدی: طلاق، اراده مرد، اراده زن، توافق، سبب.

مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه

دوره ۴، شماره ۱/۲، بهار ۱۳۹۷، صفحات ۱۶۴-۱۷۹